



دو کلاغ گستاخ، اولین موجوداتی هستند که به درخت می چسبند.
بعد سه گنجشک، یک سنجاب، بیست و سه کرم،
چهارده سوسک و یک گربه.
جیغ و داد و ناله‌ی حیوان‌ها برای روباه پیر قابل تحمل نیست.
پس از مدتی، روباه همه‌ی آن‌ها را آزاد می کند؛

اما ماجرای درخت سیبِ جادوشده همه جا می پیچد.
دیگر کمتر حیوانی جرئت دارد به درخت سیب نزدیک شود.

ت است. او و همسرش در بهار از عطر شکوفه‌ها،
وز وز زنبورها و در پاییز از خوردن میوه‌ها لذت می‌برند.
ه، نوک‌نخورده و بدون کرم‌خوردگی از درخت پایین می‌افتند.
تر می‌شود.

گ را می‌بیند که زیر درخت سیب ایستاده است.
د.

گذار کمی دیگر زندگی کنم!»
با تأسف تکان می‌دهد.

بخند زیرکانه‌ای می‌زند.
کنم صبر کن، دوست دارم آخرین سیبم را بخورم،
سیب قرمز قشنگ را برای من بیاوری؟»
کشد و از درخت بالا می‌رود.

روباه می‌چیند.





